سه شنبه 19 شهریور 1392 - 08:02

تکیه خاورشناسان بر تلقی اهل سنت به دلیل سهل‌الوصول بودن منابع

کتاب‌های تفسیری، تاریخی و کلامی اهل‌سنت به وفور در کتابخانه‌های دنیا دیده می‌شود و تنها پس از پیروزی انقلاب است که آثار و منابع شیعی به نقاط مختلف دنیا وارد می‌شود و در نتیجه یك خاورشناس عمدتا با تکیه بر کتب اهل سنت به مطالعات قرآنی می‌پردازد.

کتاب‌های تفسیری، تاریخی و کلامی اهل‌سنت به وفور در کتابخانه‌های دنیا دیده می‌شود و تنها پس از پیروزی انقلاب است که آثار و منابع شیعی به نقاط مختلف دنیا وارد می‌شود و در نتیجه یك خاورشناس عمدتا با تکیه بر کتب اهل سنت به مطالعات قرآنی می‌پردازد.

مجید معارف، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن(ایکنا) ضمن آسیب‌شناسی مطالعات قرآنی خاورشناسان، اظهار کرد: اولین مطلبی که در بحث آسیب‌شناسی مطالعات قرآنی مستشرقین باید مدنظر قرار گیرد، دیدن رگه‌هایی از پیش‌فرض‌های ویژه آن‌ها نسبت به اسلام به عنوان یك دین و نسبت به حضرت رسول(ص) به عنوان شخصی است که اگر بخواهند ایشان را خوب وصف کنند، می‌گویند فرد دلسوز و صالحی بوده‌اند و در یك دوره‌ای قیام کرده و یك قومی را نجات داده است.
بخش پیشین این گفت‌وگو را اینجا بخوانید!

وی افزود: مستشرقان رسالت آسمانی را برای پیامبر اسلام در نظر نمی‌گیرند و در مقابل این مسئله قاعدتا هیچ کاری نمی‌توان انجام داد، جز اینکه نگاه و پیش‌فرض‌های این محققان تغییر کند و ما باید در مقام نقد این آثار، قاعدتا بر روی برخی از پیش فرض‌های خودمان تکیه کنیم.

این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران خاطرنشان کرد: ضمن اینکه اشتراکات قرآن و کتب آسمانی گذشته معلول نشئت گرفتن آن‌ها از یك سرچشمه واحدی به عنوان علم الهی است و اختلافات آن‌ها نیز ناشی از از مصونیت قرآن از تحریف و دستخوش تحریف واقع شدن تورات و انجیل است؛ در این‌گونه موارد یعنی در زمانی که احساس کردیم بر اشتراکات سه کتاب آسمانی قرآن، تورات و انجیل تکیه می‌شود، برای اثبات عدم تاثیرپذیری قرآن از کتب گذشتگان باید اختلافات را مورد بررسی قرار دهیم و پررنگ کنیم تا ثابت شود که قرآن حداقل نمی‌تواند یك تاثیر همه جانبه‌ای از کتب گذشتگان داشته باشد.

مجید معارف:
منابع اهل‌سنت براین باورند که جمع و تدوین قرآن بعد از رحلت پیامبراسلام(ص) در دوران خلیفه اول و قدری در دوران خلیفه سوم اتفاق افتاده است.
معارف در ادامه افزود: دومین مطلبی که در آسیب‌شناسی مطالعات قرآنی خاورشناسان قابل ذکر است آن است که امروز وقتی که ما مقالات خاورشناسان را در نظر می‌گیریم، محتوای مقالات آن‌ها متکی بر دو پدیده است؛ یکی مراجعه به منابع و دیگری تحلیل‌ها و اجتهادهای نویسنده مقاله. بخشی از محتوای مطالعات خاورشناسان برگرفته از منابعی است که مستشرقان به آن‌ها مراجعه کرده‌اند.

منابع خاورشناسان

مولف کتاب «تاریخ عمومی حدیث» گفت: منابع خاورشناسان در مقالات و کتاب‌های آن‌ها دو بخش کلی را شامل می‌شود؛ یکی منابع اسلامی و دیگری منابع غربی؛ یعنی خاورشناسان متقدم نسبت به خاورشناسان متاخر. مثلا امروز اگر محققی به نام «اندرو ریپین» به عنوان یك چهره قرآنی در دنیا صاحب ده‌ها و صدها مقاله علمی است، بخشی از منابع او را اساتید او و خاورشناسان قبل از او تشکیل می‌دهد.

ناظر کیفی ترجمه «دایره‌المعارف قرآن لایدن» عنوان کرد: اندرو ریپین به شدت تحت تاثیر استاد خودش «ونزبرو» است. ونزبرو تحت تاثیر خاورشناسانی مثل «بلاشر»، »نولدکه» و «گلدزیهر» قرار دارد؛ این‌ها بخشی از منابع یك محقق خاورشناس امروزی می‌شوند که منابع غربی است.

این پژوهشگر عرصه علوم قرآن و حدیث افزود: قاعدتا امروز اگر ما بخواهیم راجع به خاورشناسی که درباره امی بودن پیامبر اسلام(ص) مقاله می‌نویسد، نظر بدهیم، باید علاوه بر تحلیل‌های خود آن خاورشناس به منابع او بنگریم، منابع او را لیست و آنالیز کنیم. بخشی از این منابع، غربی است که باید دید آن منابع چه درجه‌ای از استحکام و قوت را دارد و بخش دیگر این منابع هم منابع اسلامی است.

علل رجوع خاورشناسان به منابع اهل سنت

معارف گفت: در ارتباط با منابع اسلامی يك مطلب خیلی مهم وجود دارد و آن مطلب آن است که خاورشناسان وقتی به منابع اسلامی مراجعه می‌کنند، به چه دست از منابع اسلامی مراجعه می‌کنند. تجربه نشان داده است که تا قبل از این سه دهه اخیر که دهه پیروزی انقلاب اسلامی در ایران است، خاورشناسان در دنیا معمولا اسلام را از نگاه منابع و آراء و عقاید اهل سنت مطالعه کرده‌اند؛ به دلیل اینکه جمعیت اهل سنت نسبت به شیعه فراوان‌تر است و همچننی به دلیل اینکه آثار و منابع اهل‌سنت در دنیا سهل‌الوصول‌تر است.

وی اضافه کرد: کتاب‌های اهل‌سنت چه کتاب‌های حدیثی و چه کتاب‌های تفسیری و تاریخی و چه کتاب‌های کلامی اهل‌سنت به وفور در کتابخانه‌های دنیا دیده می‌شود و تنها در چند ده سال اخیر مخصوصا پس از پیروزی انقلاب، آثار و منابع شیعی خوشبختانه به نقاط مختلف دنیا وارد می‌شود. طبیعی است که وقتی يك خاورشناس عمدتا با تکیه بر کتب اهل سنت به مطالعات قرآنی می‌پردازد، نتیجه آن ارائه تحلیل‌هایی می‌شود که این تحلیل‌ها به خصوص از نظر شیعه تحلیل‌هایی بسیار نادرست و و قضاوت‌های ناصحیحی در درباره قرآن خواهد بود.

مجید معارف:
اشتراکات قرآن و کتب آسمانی گذشته معلول نشئات گرفتن آن‌ها از يك سرچشمه واحدی است به عنوان علم الهی
این مدرس دانشگاه با ذکر مثالی ادامه داد: اگر بخواهیم برای این مسئله مثالی بزنیم، باید بگوییم که ما در تاریخ قرآن با این مسئله روبرو هستیم که جمع و تدوین قرآن در چه دوره‌ای اتفاق افتاده است؟ منابع اهل‌سنت براین باورند که جمع و تدوین قرآن بعد از رحلت پیامبر اسلام(ص) در دوران خلیفه اول و قدری در دوران خلیفه سوم اتفاق افتاده است.

نظر قرآن پژوهان شیعه در جمع و تدوین قرآن

وی افزود: مفهوم این مطلب این است که پیامبر اسلام(ص) نظارتی بر جمع و تدوین قرآن نداشته‌اند یا احیانا احساس مسئولیت لازم را در این جهت نکرده‌اند. خود این مسئله يك مسئله غیرقابل قبولی است و اسناد و مدارك اهل سنت در این باره بسیار متعارض و مخدوش است. بنابراین بسیاری از قرآن‌شناسان شیعه مثل آیت‌الله خوئی و علامه سیدمرتضی عسکری و نیز مرحوم رامیار با مجموع منابع و مدارك قرآنی اهل سنت در مسئله جمع و تدوین قرآن با نگاه نقدی مواجه شدند و سعی کردند سابقه جمع و تدوین قرآن کریم را به زمان پیامبراسلام(ص) برسانند.

معارف گفت: وقتی که منابع اهل سنت و روایات متشتت آن‌ها به دست نولدکه می‌افتد و بعد از نولدکه به دست بلاشر می‌افتد، نتیجه‌اش این می‌شود که بلاشر در کتاب «در آستانه قرآن» خودش اظهار می‌کند که پیامبر اسلام(ص) از دنیا رفتند، بدون اینکه نظارتی بر مصاحف صحابه داشته باشند و در نتیجه این مصاحف دچار اختلاف نظر شد و به خاطر جمع کردن این اختلاف نظرها و رها کردن قرآن از تشتتی که داشت به او مبتلا می‌شد، خلیفه سوم دستور داد که قرآن را براساس قرائت واحدی جمع کنند، ضمن اینکه در زمان خلیفه اول هم جمع و تدوین قرآن را حاصل نگرانی‌های خلفا در خصوص از بین رفتن مصحف اعلام می‌کنند، به دلیل اینکه در جنگ‌های صدر اسلام مثل جنگ یمامه، عده‌ای از قرّاء و حفاظ کشته شدند و قرآن می‌رفت که درآستانه نابودی مطلق قرار بگیرد.